

خلیج فارس و نام های جعلی

رضا زارعی^۱، امید زارعی^۲

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

Zareie3@gamil.com

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و ژئومورفولوژی محیطی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

خلیج فارس در جنوب غربی آسیا و جنوب کشور ایران و در موقعیتی حساس و استراتژیک قرار گرفته و از دیرباز یکی از آبراه های بزرگ بین المللی و مراکز مهم اقتصادی و بازرگانی جهان محسوب می شده است. این منطقه در طول تاریخ به لحاظ پیشرفتگی به طرف فارس، تسلط و حاکمیت حکومت های ایرانی بر آن، همچنین طول و گسترش سواحل ایران در کنار آن به نام "خلیج فارس" معروف بوده است. هرچند گاهی از طرف برخی از نویسندگان وابسته غربی با نیت استعماری و تنها به قصد ایجاد تنش در منطقه، مطالبی مبنی بر عربی بودن این خلیج نوشته شده است. این مقاله می خواهد با تحلیلی بر نام های جعلی خلیج فارس ضمن بررسی این نام ها و معرفی اسناد و مدارک مختلف مبنی بر فارسی بودن این خلیج، راهکارهای را جهت مقابله با نام های جعلی ارائه دهد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد. در پایان نتیجه گرفته است که با راهکارهای دولتی و بین المللی در سطح منطقه و جهان و همچنین تشکیل کنفرانس های بین المللی می توان بر هویت فارسی بودن این خلیج تاکید بسیار کرد.

واگان کلیدی: خلیج فارس، نام های جعلی، هویت نام خلیج فارس، تنگه هرمز، ایران

۱- مقدمه:

در طول تاریخ، خلیج فارس نه تنها بخشی از خاک ایران محسوب می شده و حاکمیت آن در دست ایرانی ها بوده است، بلکه به اذعان تمام منابع تاریخی موجود این پهنه آبی با عناوینی نظیر خلیج فارس، خلیج عجم، دریای فارس و یا بحر فارس شناخته شده است. نام خلیج فارس از جمله نام های تاریخی است که از گذشته بسیار دور تاکنون در اسناد، قراردادها و مکاتبات مورد استفاده همه اقوام و ملت های دور و نزدیک آن، از فارس و عرب، ترک و هندی تا اروپاییان قرار داشته است. از این رو خلیج فارس به عنوان مهمترین گذرگاه نفتی جهان با موقعیت تمدنی ایران پیوندی تنگاتنگ داشته و دارد. با این حال در دهه های گذشته برخی از همسایگان در اقدامی که با روح همزیستی مسالمت آمیز ملل و فرهنگ های منطقه ناسازگار بوده است، به جای استفاده از نام معتبر «خلیج فارس»، نام خلیج عربی یا خلیج را به کار گرفته اند و اخیراً نیز علاوه بر کشورهای عربی پاره ای از سازمان ها، ارگان ها، خبرگزاری ها یا مجلات و رسانه های بین المللی به این نامگذاری معقول روی آورده اند. (فرامرزی، ۱۳۷۹: ۲۴) امروزه نگهداری و پاسداشت از نام کهن خلیج فارس در وهله اول از وظایف عمده

متخصصان و متفکران دانشگاهی و دولتی است. هرچند راه‌های مقابله‌ی زیادی با نام جعلی خلیج فارس وجود دارد که می‌تواند به فراخور موقعیت و وضعیت سیاسی کشور بستگی دارد.

۲- پیشینه نام خلیج فارس

داریوش هخامنشی در سال ۵۱۷ پ م / ۱۱۳۸ پ ه به «مودرایه» (مصر) رفت و به دستور او کانالی از دریای عرب (سرخ) به شاخه‌ای از رود «پی‌رَو» (نیل) متصل شد. و راه آبی مهم اقیانوس اریتره (هند) به دریای مغرب (مدیترانه) گشوده گردید و «اسکیلاگس» دریا سالار داریوش نخستین کسی بود که ناوگان او از دریای پارس (عمان) عربستان را دور زد و از دریای عرب (خلیج عرب) وارد دریای غرب شد، (۲۰۰ سال قبل از اسکندر) وقتی این آبراهه ایجاد شد به دستور داریوش بر لوحی از سنگ خراش قرمز رنگ به ابعاد ۱۷*۱۶۷ سانتی‌متر ضمن شرح کانال، نام «دریایی که از پارس بدان روند» نیز نگاشته شد. و بدین ترتیب نام «دریای پارس» برای نخستین بار ثبت تاریخ (۵ و ۶) گردید (حدود ۲۵۰۰ سال پیش) (وثوقی، ۱۳۸۵: ۱۱)

۳. خلیج پارس در دوران باستان و استان پارس:

در حدود ۲۲۰ سال جهاننداری هخامنشیان و حدود ۸۰۰ سال ابرقدرتی اشکانیان و ساسانیان که پیوسته یکی از دو ابرقدرت جهان (که دیگری رومیان) بودند، در مدت بیش از هزار سال امکان و جرأت مخالفت آن هم در حد براندازی نام پارس حتی در ذهن کشور یا قبیله‌ای متصور نبود. استان پارس مهمترین و پرقدرت‌ترین استان ایران باستان بود و این استان سراسر شمال خلیج پارس را شامل می‌گردید و تمام جزایر، سواحل و مناطق مسکونی شبه جزیره عربستان جزء توابع استان پارس به حساب می‌آمد، به عبارت دیگر حدود و نفوذ استان پارس تا سواحل جنوبی شبه جزیره عربستان و زمانی تا دریای عرب (سرخ) بود. (کبابی، ۱۳۶۲: ۳۴)

بنابر مدارک متقن، خلیج فارس از هزاران سال پیش نه توسط ایرانیان، بلکه توسط ملت‌هایی که با ایرانیان مراوده داشته‌اند، از جمله یونانیان و رومیان با عنوان «دریای پارسی» نامیده شده است. عرب‌هانیز قرن‌ها آن را «خلیج فارس» یا «بحر فارس» نامیده‌اند. خلیج فارس با همین نام طی هزاران سال گذشته شناخته شده و تمامی کشورها و اقوام مختلف از جمله اعراب از این نام استفاده کرده‌اند. تمام متون قدیمی جغرافی جهان از نقشه‌های هکاتایوس و بطلمیوس تا آثار جغرافیدانان و جهانگردان مسیحی و مسلمانان، شعبه‌ای بزرگ از اقیانوس هند را که از جنوب ایران به موازات بحر احمر تا قلب دنیای قدیم پیش رفته است، خلیج فارس یا دریای فارس نامیده‌اند. از سده‌های هفتم و هشتم پیش میلاد تمام عالمان از جمله آناکسی ماندرا، هکاتوس، هرودوت، اراتوستن، هیپارک، پومپونی مله، کراتس مالوس، استرابون، بطلمیوس، مایکروپیوس، ایزیدورسیولی، محمدبن موسی الخوارزمی، ابوزید بلخی، ابن سراجیون، ابن رسته، ابن فقیه، قدامه، ابن فضلان، ابن خردادبه، مسعودی، استخری، ابن حوقل، مقدسی، ناصر خسرو، ادریسی، جیحانی، فرازی، بیرونی، ابن جبیر، یاقوت، قزوینی، مستوفی، ابن بطوطه، حافظ، شرف‌الدین علی یزدی، ابوالغازی و ... دریای جنوبی ایران را تحت اسامی و عناوینی نظیر خلیج فارس، خلیج پارس، دریای فارس، بحرالفارس، بحر فارس، سینوس پرسیکوس، ۴ ماره پرسیکوس، ۵ گلف پرسیک، ۶ پرژن گلف (گالف)، ۷ پرزشیر گلف، پرسیس ۸ یا پرسیکوس، ۹ نامیده‌اند (وثوقی، ۱۳۸۵: ۲۱)

1- منابع ایرانی:

خلیج فارس طبق اسناد موجود از هزاره هشتم پیش از میلاد مورد استفاده تجاری و نظامی ملل دنیای قدیم قرار گرفته است. در سنگ نبشته داریوش هخامنشی در مصر متعلق به سال ۵۱۸ تا ۵۰۵ پیش از میلاد، که هنگام حفر کانال سوئز به دست آمده است، در عبارت «درایه تپه هچا پارسا آبی تی هنی» به معنای دریایی که از پارس می‌رود یا سر می‌گیرد، نام دریای پارس آمده است (مشکور، ۱۳۵۵: ۳-۶) ایرانیان در روزگار هخامنشی این دریا را «پارسا درایا» یا دریای پارس می‌خواندند. در کتیبه‌هایی که از داریوش در تنگه هرمز نیز یافت شده، عبارتی پیرامون دریایی که از «پارس‌رود» سرچشمه می‌گرفته است به چشم می‌خورد. در کتاب حدود العالم به عنوان قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی که حدود هزار سال قبل تألیف شده است آمده است: «خلیج پارس از حد پارس برگیرد، با پهنای اندک تا به حدود سند (مشکور، ۱۳۵۵: ۹-۶) می‌توان گفت از هنگامی که بشر تاریخ‌نویسی را آغاز کرد دریای جدا کننده فلات ایران از شبه جزیره عربستان را «دریای فارس» یا «خلیج فارس» نامیده است. و در هیچ یک از این ادوار تاریخی نام دیگری به آن نهاده نشده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۳: ۹-۱۸)

2- منابع یونانی

طبق نوشته مورخان و جغرافی نگاران یونانی که پیش از میلاد مسیح می‌زیسته‌اند چون هرودت (۴۸۴ - ۴۲۵ ق. م) کتزیاس (۴۴۵ - ۳۸۰ ق. م)، گزنفون (۴۳۰ - ۳۵۲ ق. م) استرابن (۶۳ ق. م - ۲۴ م)، یونانیان نخستین ملتی هستند که به این دریا نام پارس و به سرزمین ایران پارسه، پرسای، پرس‌پولیس، یعنی شهر یا مملکت پارسیان داده‌اند (مجتهد زاده، ۱۳۸۳: ۹-۱۸) نثارخوس، سردار مقدونی نیز موجب اشتها در دریای مکران و پارس شده است. وی در سال ۳۲۶ ق. م به دستور اسکندر مقدونی، از رود سند گذشت و دریای مکران و خلیج فارس را با کشتی طی کرد و تا دهانه آن پیش رفت. هکاتیوس هلمی «از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در سال ۴۷۵ قبل از میلاد از نام دریای پارس استفاده کرده است. در نقشه‌های باستانی از قول هرودوت و گزنفون به این دریا، دریای پارس ۱۰ اطلاق شده است. کلودیوس پتوله ماوس (بطلمیوس)، جغرافی نگار، نقشه‌نگار و ریاضی‌دان مشهور قرن دوم میلادی، در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته شده، و همچنین در نقشه‌ای که کشیده، از خلیج فارس با نام پرسیکوس سینوس یاد کرده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۳: ۱۸) کوین توس کوروسیوس روفوس «مورخ رومی که در قرن اول میلادی می‌زیسته این دریا را دریای پارس یا آبگیر فارس خوانده است. همچنین در کتاب‌های جغرافیایی لاتین، آب‌های جنوب ایران (دریای مکران و خلیج فارس) را ماره پرسیکوم یعنی دریای پارس نوشته‌اند (مجتهد زاده، ۱۳۸۳: ۲۱) بنابراین مورخان و جغرافی‌نگاران یونانی پیش از میلاد در شرح وقایع تا سده ۷ ق. م یعنی سقوط حکومت عیلام و تشکیل حکومت ماد و روی کار آمدن هخامنشیان دریای مکران و خلیج فارس را دریای پارس می‌خواندند.

3- منابع اسلامی

پس از فتح ایران توسط اعراب در سده هفتم پس از میلاد، تلاشی برای تغییر نام «دریای پارسی» صورت نگرفت. اعراب مسلمان، عموماً این خلیج را «بحر الفارسی» (دریای پارسی) می‌نامیدند و این نام از سوی امپراتوری‌های ایرانی، ترک و عربی هم که در ۱۲۰۰ سال بعد منطقه را تحت سلطه خود داشتند مورد احترام قرار گرفت. محققان اسلامی نظیر استخری، مسعودی، بیرونی، ابن حوقل، مقدسی، مستوفی، ناصر خسرو، الطاهرین مطهر المقدسی (بشاری)، ابوالقاسم بن محمد بن حوقل و ... که مطالعه در اطراف این دریای ایرانی را تا قرن ۱۵ ادامه دادند، در آثار و نوشته‌های خود از آب‌های جنوب ایران به نام‌های بحر فارس، البحر الفارسی، بحر مکران، الخلیج الفارسی و خلیج فارس یاد کرده‌اند. حتی از این جغرافی‌دانان نقشه‌هایی موجود می‌باشد که اقیانوس هند را البحر الفارسی نام گذارده‌اند (مشکور، ۱۳۵۵: ۱۳) جغرافی‌دانان عرب و اسلامی این نام را از دو تمدن باستانی گرفتند و همزمان مورد استفاده قرار دادند. بدین ترتیب که «پارسا دریای» ایرانی را «بحر فارس» ۱۱ و «سینوس پرسیکوس» ۱۲ یونانی را «خلیج فارس» می‌نامیدند و حتی منظور از دو دریا در سوره الرحمن قرآن مجید را نیز همان دریای فارس و دریای متوسط می‌دانستند (مشکور، ۱۳۵۵: ۱۴) ابوعلی احمد بن عمر معروف به ابن رسته در کتاب الاعلاق النفسیه که در سال ۲۹۰ هجری به رشته تألیف درآورده، تصریح می‌کند: «فاما البحر الهندی یخرج منه خلیج الی ناحیه فارس یسمى الخلیج الفارسی». «اما از دریای هند خلیجی بیرو می‌آید به سمت سرزمین فارس که آن را «خلیج فارس» می‌نامند.» (مجتهد زاده، ۱۳۸۳: ۳۱)

به گفته جرجی زیدان تاریخ‌دان عرب، «بحر فارس» محدود به آب‌هایی می‌شود که دنیای عرب را دور می‌زند. جرجی زیدان می‌گوید: «بحر فارس - ویراد به عندهم کل البحور المحیطیه ببلاد العرب من مصب ماء دجله فی العراق الی ایله فیدخل فیہ مانعبر عنه الیوم بخلیج فارس و بحرالعرب و خلیج عدن و البحر الاحمر و خلیج عقبه...». «دریای فارس - نزد آنان مقدم بر همه دریاهایی که سرزمین‌های عرب از مصب آب دجله گرفته تا ایله را احاطه می‌کند، به عنوان دریای فارس تعبیر می‌شده و از آن جمله است آنچه را که ما امروز از آن به «خلیج فارس» و دریای عرب و خلیج عدن و دریای سرخ و خلیج عقبه تعبیر می‌کنیم». محمد عبدالکریم صبحی نیز در کتاب «علم الخرائط» در نقشه‌هایی که با ترجمه عربی نقل کرده است، دریای جنوب ایران را «الخلیج الفارسی» و «بحر فارس» نامیده است. م (مجتهد زاده، ۱۳۸۳: ۲۹)

4- منابع غربی:

بیشتر کسانی که در مورد دریای پارسی و دریای مکران مطلب نوشته‌اند بیگانگان و به ویژه انگلیسی‌ها بوده‌اند، زیرا به لحاظ موقعیت ویژه‌ای که در این منطقه داشته‌اند کوشیده‌اند تا حقیقت نهفته بماند و نام‌های جعلی و ناقص جای اسامی درست را بگیرد. اما منابعی از آن‌ها بجای مانده است که بر صراحت نام خلیج فارس تکیه می‌کنند. در سال ۱۸۹۲، لرد کرزن، وزیر خارجه انگلستان، در کتاب «ایران و قضیه ایران» مکرراً به نام خلیج فارس اشاره کرده است (عجم، ۱۳۸۳: ۴۵) ویلیام راجرز، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا، در گزارش مورخه ۱۹۷۱ میلادی خود در مورد سیاست خارجی این کشور از نام خلیج فارس استفاده کرده است. در

فرهنگ‌هایی که به زبانهای مختلف تدوین و چاپ شده است، از جمله فرهنگهای آلمانی، انگلیسی، امریکایی، فرانسوی، ترکی و ... خلیج فارس نیز به همین نام آورده شده است. امروزه در میان آثار اعراب نیز بحر فارس به فراموشی سپرده شده و از ترکیب خلیج فارس استفاده می‌شود. یکی از معروف‌ترین دایره‌المعارف‌های دنیا یعنی المنجد، سند قاطعی برای مراجعه است که از ترکیب خلیج فارس بهره برده است (عجم، ۱۳۸۳: ۴۵)

۴. خلیج فارس و دوران تسلط مستقیم مسلمانان

تا قبل از پیدایش اسلام قبایل عرب هیچگاه با هم متحد و صاحب قدرت نبودند و پیوسته از ایران به ویژه ایالت فارس و حکام آن تمکین می‌کردند و در واقع احترام و ارزش برای پارسیان قائل بودند. رن فرای از قول فیلسوف شهیر تاریخ، ابن خلدون (۷۳۲ تا ۸۰۸ ه.ق)، می‌نویسد: «بیشتر دانشمندان اسلامی چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی جز چند تن، همه غیرعرب بودند... و از آنها بیشتر ایرانی و فارسی... بودند، همه عالمان اصول فقه چنان که می‌دانی و هم کلیه علمای کلام و همچنین مفسران، ایرانی بودند و به جز ایرانیان کسی به حفظ و تدوین علم قیام نکرد و از این رو مصداق گفتار پیامبر (ص) پدید آمد که فرمود: اگر دانش بر گردن آسمان درآویزد قومی از مردم فارس بدان نائل می‌آیند و آن را به دست می‌آورند...» (عجم، ۱۳۸۳: ۴۵)

۵. خلیج فارس بر اساس مستندات تاریخی

از دوران باستان تا به امروز در همه آثار تاریخی، جغرافیایی و دایره المعارف‌های بزرگ جهان آبهای جنوب ایران از پیوستگاه اروندرود تا تنگه هرمز به نام خلیج فارس شناخته شده است. تاریخ نگاران و جغرافی دانان و باستان شناسان تا کنون از این دریا به نام‌های خلیج فارس، خلیج العجم و دریای پارس و بحر پارس یاد کرده‌اند. در اوستا در چندین جا از خلیج فارس با نام «دریای پوئی تیک» یا «پویی دیک» و از دریای عمان به نام «سدویس» و از اقیانوس هند به نام «فراخکرت» یاد شده است. در شماره ۱۸ فرگرد ۵ بخش وندیداد اوستا آمده است: «من اهورامزدا، آبها را بر مردارها و دخمه‌ها و بازمانده‌های چرکین و استخوان روان می‌کنم. آن گاه من آبها را پنهانی باز می‌گردانم. من اهورامزدا، آبها را به دریای پوئی تیک (خلیج فارس) باز می‌گردانم (حق شناس، ۱۳۸۹: ۳۴) در سنگ نبشته داریوش هخامنشی در مصر متعلق به سال ۵۱۸ تا ۵۰۵ پیش از میلاد، که هنگام حفر کانال سوئز به دست آمده است، در عبارت «درایه تپه هچا پارسا آبی تی هنی» به معنای دریایی که از پارس می‌رود یا سر می‌گیرد، نام دریای پارس آمده است. ایرانیان در روزگار هخامنشی این دریا را «پارسا درایا» یا دریای پارس می‌خواندند. در کتیبه‌هایی که از داریوش در تنگه هرمز نیز یافت شده، عبارتی پیرامون دریایی که از «پارس رود» سرچشمه می‌گرفته است، به چشم می‌خورد (حق شناس، ۱۳۸۹: ۳۵) در کتاب حدود العالم به عنوان قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی که حدود هزار سال قبل تألیف شده است آمده است: «دریای بزرگ که آن را بحر الاعظم خوانند... و این دریا را پنج خلیج است، یکی از آنها را خلیج پارس خوانند که از حد پارس برگیرد، با پهنای اندک تا به حدود سند» (حق شناس، ۱۳۸۹: ۳۵) بنابراین می‌توان گفت از هنگامی که بشر تاریخ‌نویسی را آغاز کرده است، دریای جدا کننده فلات ایران از شبه جزیره عربستان را «دریای فارس» یا «خلیج فارس» نامیده‌اند و در هیچ یک از این ادوار تاریخی نام دیگری به آن نهاده نشده است (حق شناس، ۱۳۸۹: ۳۶) اصطلاح خلیج ((عربی)) برای نخستین بار در دوره تحت قیمومت شیخ نشین‌های خلیج فارس توسط

کارگزاران انگلیس و بطور ویژه از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس مقیم در خلیج فارس به نام «رودریک اوون» به کار گرفته شد. وی در کتابی به نام «حبابهای طلایی خلیج عربی» در سال ۱۹۵۸ نوشت: «من در تمام کتب و نقشه‌های جغرافیایی نامی غیر از خلیج فارس ندیده بودم ولی در چند سال اقامت در سواحل خلیج فارس متوجه شدم که ساکنان سواحل، عرب هستند. بنابراین ادب حکم می‌کند که این خلیج را عربی بنامیم.» وی و فرد دیگری به نام «سر چارلز بلگریو» به قصد تفرقه بین ایران و کشورهای عرب این موضوع را مطرح کردند. (حق شناس، ۱۳۸۹: ۳۶)

۶- ورود نام های جعلی خلیج فارس به نقشه ها و گفتارها

چندین دهه از کوشش‌های برنامه‌ریزی شده اعراب برای تغییر نام تاریخی خلیج فارس می‌گذرد. آبراهی که ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌سازد بر اساس تمام اسناد تاریخی-جغرافیایی، نقشه‌های موجود از یونان باستان تا دوره معاصر و همچنین بیانیه‌های سازمان ملل متحد، «خلیج فارس» نام دارد و حتی در تمام نوشته‌ها و نقشه‌های عربی که پیش از دهه ۱۹۶۰ به چاپ رسیده است از عنوان «الخلیج الفارسی یا بحر فارس» استفاده شده است. صحت ادعای فوق حتی در بخشی از سرود ملی قدیمی مصر نیز دیده می‌شود که در آن از خلیج فارس یاد شده و مرزهای اعراب را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه ترسیم نموده است: «حدود نامن الخلیج الفارسی حتی بحر الابيض (پارسا پور، ۱۳۸۹: ۱۱)

موضوع تغییر نام خلیج فارس از دهه سوم قرن بیستم به دنبال سیاست فارسی‌زدایی انگلیسی‌ها در منطقه خلیج فارس مطرح شد. هدف اصلی سیاست یاد شده توسعه سرزمین انگلستان در منطقه خلیج فارس بود مانع اصلی این سیاست را باید هویت ایرانی دانست که سالیان دراز بر منطقه خلیج فارس سایه افکنده بود. (پارسا پور، ۱۳۸۹: ۱۲) اصطلاح «خلیج عربی» برای اولین بار از سوی یک دیپلمات بریتانیایی در منطقه خلیج فارس عنوان شد. «سرچارلز بلگریو» که بیش از سه دهه نماینده سیاسی دولت بریتانیا در خلیج فارس بود، پس از مراجعت به لندن در سال ۱۳۴۵ هجری خورشیدی کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن برای نخستین بار از عنوان تازه و جعلی خلیج عربی استفاده نمود. چارلز بلگریو در کتاب خود با عنوان «ساحل دزدان» - نامی که پیشتر به سواحل جنوبی خلیج فارس اطلاق می‌شد - ادعا نموده بود که اعراب علاقه‌مندند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند. بدین ترتیب بلافاصله پس از انتشار کتاب، استفاده از اصطلاح جعلی خلیج عربی در مطبوعات آغاز شد و پس از چندی در مکاتبات رسمی کشورهای حاشیه خلیج فارس، نام خلیج عربی ۱۷ به جای خلیج فارس ۱۸ نشست (پارسا پور، ۱۳۸۹: ۱۳)

اگر چه دولت ایران در همان زمان در قبال این عمل واکنش نشان داد و از قبول محموله‌هایی که نام «خلیج عربی» را به خود داشت خودداری می‌نمود، اما دیپلمات بریتانیایی - در راستای سیاست قدیمی تفرقه بینداز و حکومت کن - کار خود را کرده بود و اعراب را با واژه تازه‌ای آشنا نموده بود که بیش از پیش به جنگ لفظی عرب و عجم دامن می‌زد. از این رو دولت‌های حاشیه‌ای خلیج فارس تبلیغات سیاسی، مکاتبات دیپلماتیک و محور برنامه‌های آموزشی خود را بر نام خلیج عربی متمرکز نمودند. در اقدامی دیگر از سوی انگلیسی‌ها، روزنامه تایمز لندن در سال ۱۹۶۲ در یکی از مقالات خود از خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده کرد و از آن زمان

به بعد برخی از دولت‌ها و شیخ‌نشینان عرب با خریدن روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خارجی و یا با پرداخت مبالغ هنگفت به چاپ نقشه‌هایی که خلیج فارس را خلیج عربی نشان می‌داد مبادرت نمودند. این تحرکات ابتدا از سوی چهره‌هایی چون عبدالکریم قاسم در عراق و سپس توسط جمال عبدالناصر رهبر جنبش ملی جهان عرب در مصر ادامه یافت (شهابی، ۱۳۸۹: ۳۱) در سال ۱۹۵۸ سرهنگ عبدالکریم قاسم با کودتایی در عراق به حکومت رسید و پس از مدتی داعیه‌دار رهبری جهان عرب گردید. در راستای چنین اندیشه‌ای از تاکتیک دشمن‌تراشی برای تحریک احساسات عمومی ملی سود جست و برای نخستین بار «خلیج فارس» را به نام جعلی «خلیج عربی» خواند. قاسم که با این عمل قصد داشت با مطرح نمودن ایران به عنوان دشمن اصلی اعراب، توجه جهان عرب را از قاهره به بغداد جلب کند و به رهبری خود در جهان عرب دامن زند، با شکست مواجه شد. به شهادت اسنادی که در همان دوران در عراق و حتی از سوی دانشگاه بغداد چاپ و منتشر شد، قاسم حتی نتوانست توجه مقامات رسمی دانشگاهی عراق را نیز به خود جلب نماید (شهابی، ۱۳۸۹: ۳۱) سرهنگ جمال عبدالناصر رهبر جنبش ملی جهان عرب در مصر که در نظریه وحدت عربی خود، دنیای عرب را از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس «من المحيط الاطلسی الی الخلیج الفارسی» نامیده بود، دیری نپایید که با اوج‌گیری هیاهو و جنجال پان عربیسم خود، ۱۹ و برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های اعراب از اسرائیل ۲۰ از نام ساختگی خلیج عربی سود جست. ناصر با طرح چنین سیاستی دو هدف عمده را پیگیری می‌کرد. نخست زنده کردن تعصبات نژادی اعراب و سپس رویارویی با شاه ایران که با اسرائیل روابط خوبی برقرار کرده بود (شهابی، ۱۳۸۹: ۳۳)

دولت ناسیونالیست مصر که با دامن زدن به چنین مسائلی سعی در قوام و دوام بخشیدن به اتحادیه عرب داشت، از شیخ‌نشین‌های بحرین، قطر، دوبی، ابوظبی، شارجه و سلطان‌نشین عمان نیز درخواست نمود که در راه آرمانهای مشترک ملت عرب و رفاه عمومی منطقه با جمهوری عربی متحده ۲۱ همکاری نمایند. از این رو در ۲۳ مرداد ۱۳۴۲ کمیسیون اتحادیه عرب در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای نخستین بار نام خلیج عربی را در یک سند رسمی ذکر نموده و به دنبال آن اتحادیه عرب تصمیم گرفت این نام مجعول را در برنامه‌های درسی کلیه کشورهای عضو اتحادیه و مکاتبات رسمی به کار گیرد. (پارسا پور، ۱۳۸۹: ۲۱) با این حال مقاصد اعراب از تغییر نام خلیج فارس فراتر می‌رفت و شامل استان نفت‌خیز خوزستان نیز می‌شد که آن را عربستان می‌نامیدند. اعراب خوزستان را بخشی از سرزمین عربی می‌دانستند که رضاشاه با حمایت و پشتیبانی انگلستان از چنگ اعراب خارج ساخته است در این راستا در ۱۱ دسامبر ۱۹۶۴ کنفرانس حقوق دانان عرب، خوزستان را جزو لاینفک میهن عربی دانست و در ۱۰ نوامبر ۱۹۶۵ رژیم بعثی سوریه این ادعا را پذیرفت و از آن پشتیبانی کرد. ۲۳ در واقع پشت کلمه خلیج عربی، جزایر عربی، خوزستان عربی (عربستان)، حکم فرمایی بر تنگه هرمز و تبدیل کردن ایران به زائده جهان عرب نهفته بود. (پارسا پور، ۱۳۸۹: ۲۱) اگر چه تلاش‌های ناصر برخی از سیاستمداران عرب را نیز با وی همراه کرده بود اما در نهایت نتیجه دلخواهی در پی نداشت. زیرا رستاخیز عرب آنطور که ناصر در رویای خود مجسم کرده بود، با واقعیات فاصله‌های زیادی داشت. علت اصلی آن نیز عدم انسجام و یکپارچگی دولت‌های عربی بود. در واقع ملتی که ناصر از آن دم می‌زد، چیزی جز تخیل نبود. (شهابی، ۱۳۸۹: ۳۵) تلاش‌های قاسم و ناصر در جهان عرب با قدرت یافتن صدام حسین در عراق بار دیگر توسط او ادامه یافت. صدام که در وهله نخست صدها میلیون دلار هزینه کرده بود تا با کمک گروهی روزنامه‌نگار، دانشگاهی، ناشر و مرکز نقشه‌سازی، نام خلیج فارس را تغییر دهد؛ در پی وقوع انقلاب اسلامی در ایران دست به تجاوز به خاک

ایران زد. هشت سال جنگ تحمیلی که با ادعاهای واهی صدام مبنی بر حاکمیت بر اروندرود و عربی خواندن خوزستان و شهرهای دیگر ایران آغاز شده بود، در نهایت با شکست عراق خاتمه یافت. در واقع نتیجه عملی این تجاوز، افزایش حساسیت ایرانیان بر نام خلیج فارس بود که در پی آن ایرانیان استفاده از نام خلیج عربی را نوعی ستیز با ایرانیت و تجاوز به تاریخ ایران قلمداد نمودند (شهابی، ۱۳۸۹: ۳۶).

پس از جنگ دوم خلیج فارس و تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۱، نفوذ نظامی ایالات متحده بر منطقه بیشتر شد و دیری نپائید که امریکایی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به رودر رویی کشورها و شیخ‌نشین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس با ایران دامن زدند. از این رو شیخ‌نشین‌های شارجه و ابوظبی در مقابل ایران قرار گرفتند و به طرح ادعاهای واهی نسبت به مالکیت جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ) پرداختند. شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، صدها میلیون دلار برای تغییر نام خلیج فارس و تردید آفریدن بر مالکیت مطلق ایران بر جزایر سه گانه هزینه کرد ولی گذشت زمان به او نشان داد که در این زمینه به موفقیتی دست نخواهد یافت. اگر چه ادعای «شورای همکاری خلیج فارس» در بیست و پنجمین نشست سران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در بحرین نام شورای همکاری کشورهای خلیج فارس را به شورای همکاری کشورهای خلیج عربی (مجلس التعاون لدول الخليج العربیه) تغییر دادند؛ ۲۶ اما به نظر می‌رسد سیاست ایرانی‌زدایی و فارسی ستیزی اعراب، با توجه به تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس و حساس‌ترین نقاط استراتژیک و ژئواکونومیک آن به ایران راه به جایی نخواهد برد. در واقع همانگونه که تلاش برای کنار گذاردن و یا نادیده انگاشتن ایران از ساختار امنیتی منطقه بی‌ثمر می‌باشد، تغییر نام خلیج فارس نیز ناممکن می‌نماید (اکبر، ۱۳۸۹: ۲) با این حال نباید از خاطر برد که اعراب در طول سالیان و دهه‌های اخیر تبلیغات گسترده‌ای را به منظور تغییر نام خلیج فارس آغاز کرده‌اند. آنها در حالی نام شرکت‌های هواپیمایی، روزنامه‌ها، مجلات، شرکتها و بسیاری از چیزهای دیگر را بنام خلیج یا خلیج عربی تغییر داده‌اند که نام «خلیج پارس» در برگیرنده هزاران سال تاریخ است و عدم استفاده از آن، بی‌ارزش ساختن پیشینه و تمدن‌هایی است که پیرامون آن بالیده‌اند. به کار بردن نام جعلی «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس»، عنوان «شیخ شعیب» برای «جزیره لاون»، «قیس» برای جزیره «کیش» - و «شط العرب» برای «اروندرود» از جمله مواردی است که علیرغم مسلمان بودن مردم منطقه، به منازعات هویتی و قومی میان کشورها دامن می‌زند. زیرا تغییر نام‌های کهن جغرافیایی، تحریف واقعیت‌های تاریخی و جعل هویت‌های موجود است (اکبر، ۱۳۸۹: ۲).

۷- جمع‌بندی و نتیجه گیری

در قرن گذشته با توسعه معلومات جغرافیایی، همراه با چاپ نقشه‌های بسیار به زبان‌های مختلف، ترکیب «خلیج فارس» مورد استعمال جهانی پیدا کرده است و از این نظر قرن بیستم را قرن استفاده از ترکیب «خلیج فارس» می‌توان دانست، قرنی که ترکیب مذکور در تمام زبان‌های زنده عالم رسوخ و گسترش پیدا کرده و به طور کلی جای ترکیب قدیمی «دریای پارس یا بحر فارس» را گرفته است. وجود تمامی مشکلات و چالش‌ها، به واسطه افزایش اهمیت منابع انرژی، خطوط انتقال انرژی، راه‌های استراتژیک، و وجود بسترهای مساعد اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیک برای رشد اقتصادی، اهمیت منطقه خلیج فارس و خاورمیانه روبه افزایش است. " به

منظور بهره گیری از توانمندیهای موجود در راستای ایجاد توسعه و امنیت پایدار در منطقه، ایجاد بستر امنیتی مناسب از طریق انجام گفتگوهای امنیتی با حضور تمامی کشورهای منطقه و در نهایت ایجاد یک نظام امنیتی جامع و بومی و برخوردار از حمایت جامعه بین المللی ضروری است. همچنین در راستای پاسداشت از نام کهن و تاریخی خلیج فارس ضروری است که با آموزش های صحیح در مدارس و دانشگاه اقدام کرد و نسل های آینده را جهت مقابله با نام های جعلی آماده کرد .

منابع و ماخذ:

اکبر، سید عبدالله (۱۳۸۹) عوامل بازدارنده در همگرایی کشورهای خلیج فارس ، ماهنامه روایید ها و تحلیل سال دوم شماره ۸

پارساپور، روزیه (۱۳۸۹) اسناد تاریخی دریای پارس، انتشارات کانون پژوهش های دریای پارس

حق شناس، سید علی (۱۳۸۹) حاکمیت تاریخی جزایر تنب و ابوموسی، انتشارات سنا

شهابی، سیف الرضا (۱۳۸۹) دیده گاه های شورای همکاری خلیج فارس انتشارات کانون پژوهش های دریای پارس

عجم، محمد (۱۳۸۳) خلیج فارس نامی کهن تر از تاریخ ، انتشارات پارت

عجم، محمد (۱۳۸۸) اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جاودان، انتشارات اوین

فرامرزی ، احمد (۱۳۷۹) بنادر و جزایر خلیج فارس ، پژوهش های ایران شناسی ، جلد دوازدهم ، انتشارات موقوفه افشار

کبابی، سدید السلطنه (۱۳۶۲) تصحیح سفر نامه احمد اقتداری ، انتشارات بهمنشیر

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۳) جغرافیای تاریخی خلیج فارس، مرکز مطالعات و تحقیقات نیروی دریایی، تهران

مشکور، محمد جواد (۱۳۵۵) نام خلیج فارس در طول تاریخ، انتشارات وزارت اطلاعات و جهانگردی اداره کل نشر، تهران

وثوقی، محمد باقر ، (۱۳۸۵) اختلافات ایران و انگلستان در مسایل خلیج فارس دوره پهلوی اول، مجله پیک نور، سال سوم شماره اول